

فهرست

۱۳	علم و عمل در تارنوازی (مقدمه هوشنگ ظریف)
۱۵	تارنوازان یا راویان تار (مقدمه حسین علیزاده)
۱۷	درآمدی بر یک راه طولانی (مقدمه میرعلیرضا میرعلینقی)
۱۹	پیشگفتار (نگارنده)
۲۱	مقدمه مدیرعامل بنیاد رودکی (دکتر علی اکبرصفی پور)

فصل اول - لغت شناسی تار

۲۵	مقدمه
۲۵	بخش اول (لغت شناسی تار با معانی موسیقایی)
۲۷	بخش دوم (بررسی آلات موسیقی با ترکیب کلمه تار)
۲۷	۱. تار آذربایجانی
۲۹	۲. دو تار
۳۱	۳. سه تار
۳۲	۴. سی تار
۳۵	۵. گیتار
۳۷	ساز کوبه‌ای طار (تار)
۳۷	منلیع

فصل دوم - ساختمان و ویژگی‌های تار

۴۱	تاریخچه تار
	بخش اول
۴۴	۱. قطعات و اجزای ساختمان تار
۴۶	الف. سرپنجه
۴۷	ب. گوشی‌ها
۴۸	پ. شیطانک
۴۸	ت. دسته
۴۹	ث. استخوان‌ها
۵۰	ج. پرده
۵۱	چ. کاسه‌های طنینی
۵۲	ح. سیم
۵۳	خ. سیم‌گیر
۵۴	د. پوست
۵۴	ذ. خرک

۵۵	ر. انواع مضراب
۵۵	۲. آشنایی با اصول و مبانی کلی صنعت تارسازی
۵۷	۳. تعمیرات اولیه و خانگی تار
۵۷	الف. طرز پوست انداختن
۶۰	ب. طرز پرده بندی تار
۶۳	پ. طرز سیم بستن
۶۵	۴. نکاتی در مورد مراقبت و نگهداری تار
۶۶	۵. شیوه‌های متفاوت نشستن، در نوازندگی تار
		بخش دوم
۶۷	۱. تئوری پرده بندی یا دستان بندی تار
۶۷	الف. بنیان‌های نظری موسیقی ایرانی پیش از فارابی
۶۸	ب. بنیان‌های نظری موسیقی ایرانی از فارابی به بعد
۷۱	ب- ۱. صفی‌الدین ارموی
۷۴	ب- ۲. عبدالقادر مراغه‌ای
۷۵	ب- ۳. دوره بعد از عبدالقادر مراغه‌ای تا پیش از علینقی وزیر
۷۵	ب- ۴. علینقی وزیر
۷۶	۲. نامگذاری پرده‌ها یا دستان‌های تار
۷۹	۳. تقسیم بندی انواع تار
۷۹	الف. از لحاظ اندازه
۸۰	ب. از لحاظ صدادهی و آکوستیک
۸۱	ب. از نظر پرده بندی یا دستان بندی
۸۲	۴. کوک تار
۸۲	الف. رابطه سیم‌ها با گوشی‌ها
۸۲	ب. طرز کوک کردن
۸	ب. عوامل ناکوکی ساز
۸۳	ت. انواع کوک‌ها در دستگاه‌های مختلف
۸۸	۵. تکنیک‌ها و علایم اجرایی متداول در تار
۸۸	الف. تکنیک‌های دست راست
۸۸	ب. تکنیک‌های دست چپ
۸۹	پ. علایم ویژه در نت نویسی تار
۹۰	منابع
		فصل سوم- سازندگان تار
۹۳	مقدمه
۹۴	دوره اول- عهد قاجار
۹۴	آقاگلی اصفهانی
۹۴	حبیب ذوالفنون

۹۵	خاچیک
۹۵	فرج الله
۹۵	هامبارسون
۹۶	یحیی و ویژگی‌های تار یحیی
۹۹	دیگر سازندگان این دوره
۱۰۰	دوره دوم- عهد پهلوی اول و دوم
۱۰۱	حاجی آقا
۱۰۱	رمضان علی شاهرخ
۱۰۲	عباس و جعفر صنعت
۱۰۲	مفتح آهنگ
۱۰۳	دوره سوم- دوره بعد از انقلاب اسلامی:
۱۰۳	ابراهیم قنبری مهر
۱۰۳	ارژنگ ناجی
۱۰۴	رامین جزایری
۱۰۴	عبدالله عباسی
۱۰۴	فرمان مرادی
۱۰۴	محمدرضا ایلدار زاله
۱۰۵	محمود فرهنگند
۱۰۵	یوسف پوریا
۱۰۶	دیگر سازندگان این دوره
۱۰۶	منابع

فصل چهارم- نوازندگان تار

۱۰۹	مقدمه
۱۰۹	دوره اول- عهد قاجار
۱۱۱	اسماعیل قهرمانی
۱۱۱	حسینقلی فراهانی
۱۱۲	حسین خلیفه
۱۱۲	رضا فراهانی
۱۱۲	علی اکبر فراهانی
۱۱۳	غلامحسین درویش
۱۱۴	غلامحسین فراهانی
۱۱۴	محمدحسن
۱۱۵	میرزا شفیع
۱۱۵	میرزا عبدالله فراهانی
۱۱۶	میرزا غلامرضا شیرازی

۱۱۶	نعمت‌الله خان اتابکی
۱۱۶	یوسف خان صفایی
۱۱۷	یحیی حاتمی
۱۱۷	یحیی زرینچه
۱۱۸	دیگر نوازندگان این دوره
۱۳۱	نمودار شجره خاندان علی اکبر فراهانی
۱۳۳	دوره دوم- عهد پهلوی اول و دوم
۱۳۳	ابراهیم سرخوش
۱۳۳	اسدالله حجازی
۱۳۴	اسماعیل مهرتاش
۱۳۴	اکبر نوروزی
۱۳۵	امیرارسلان درگاهی
۱۳۵	امین‌الله اندره حسین
۱۳۵	پرویز پورناظری
۱۳۶	جلیل شهنواز
۱۳۷	حبیب‌الله صالحی
۱۳۷	حسین سنجری
۱۳۷	حمید وفادار
۱۳۸	رضا لطفی
۱۳۸	رضا وهداتی
۱۳۸	سلیمان سیاح سپانلو
۱۳۹	سلیمان روح اقزا
۱۳۹	سعید هرمزی
۱۳۹	سید مهدی دبیری
۱۳۹	شاپور حاتمی
۱۴۰	شکراالله قهرمانی
۱۴۰	عباس خان سروری اصفهانی
۱۴۰	عبدالحسین برازنده
۱۴۰	عبدالحسین شهنازی
۱۴۰	عبدالعلی وزیری
۱۴۱	علی اکبر شهنازی
۱۴۲	علینقی وزیری
۱۴۳	غلامحسین بیگچه خانی
۱۴۴	فرهاد ارزنگی
۱۴۴	فرهنگ شریف
۱۴۵	فریدون حافظی

۱۸۸	ب. "کتاب‌شناسی موسیقی ایران" - نوشته سیمین حلالی
۲۰۲	ضمیمه
۲۰۵	منابع

فصل ششم - دیسکوگرافی

۲۰۹	مقدمه
۲۱۰	مختصری از تاریخچه ضبط صفحه‌های ایرانی
۲۱۱	فهرست صفحات فارسی شرکت گرامافون
۲۲۵	صفحات ضبط شده شرکت بیضافون
۲۳۷	صفحات ضبط شده شرکت پلیفون
۲۴۰	صفحات ضبط شده شرکت نعیم
۲۴۲	صفحات ضبط شده شرکت موناووک
۲۴۳	صفحات ضبط شده شرکت نوا

فصل هفتم - آلبوم عکس

	نکاتی درباره این فصل
۲۵۰	نوازندگان دوره اول
۲۸۲	نوازندگان دوره دوم
۳۰۹	شرح عکس‌های دوره اول
۳۱۲	شرح عکس‌های دوره دوم

پیشگفتار

قرن حاضر، خصوصاً در چند دهه اخیر به واسطه دگرگونی‌های تکنولوژیکی در امر ارتباط جمعی و آگاهی از وقایع پیرامون، قرن اطلاع‌رسانی و تبادل اندیشه بین ملت‌ها نامیده شده است. از کوچکترین اخبار جاری تا اطلاعات تاریخی مربوط به گذشته، حتی پیش‌بینی‌های علمی در آینده، نه تنها امکان‌پذیر است بلکه قابل دسترس برای عموم مردم در هر کجا و هر زمان می‌باشد. این جریان با بالا گرفتن سرعت و ریتم زندگی بشر امروزه، اهمیت خاص خود را بیشتر پیدا می‌کند.

در زمانی که نگاه به موضوعات مختلف علمی، هنری، سیاسی، اجتماعی و غیره بسیار تخصصی شده است، دیگر مجال برای جمع‌آوری اطلاعات پایگی نمی‌ماند و در چنین شرایطی نیاز به یک مجموعه واحد جهت گردآوری آن موضوع خاص برای بررسی‌های پیشرفته و تخصصی‌تر، امریست ضروری.

در مورد مباحث تاریخی و علمی موسیقی و چگونگی آن در ایران، اطلاعات نسبتاً زیاد ولی پراکنده‌ای وجود داشته که نیاز به جمع‌آوری دارد. خوشبختانه در دهه‌های اخیر توجه به این امر توسط هنر جویان، دانشجویان و پژوهشگران بیشتر شده است. اگرچه بسیاری از این اطلاعات در گذشته جمع‌آوری و پایه‌ریزی شده ولی نیاز به تحقیق و تفحص از چگونگی و صحت آنها، همچنان به قوت خود باقی است. بسیاری از منابع در گذشته خصوصاً در قرون پیش به زبان عربی بوده که ترجمه و تفسیر آنها خود نیاز به یک کار پژوهشی و تخصصی دارد.

پژوهش در مورد ساز "تار" نیز احتیاج به گردآوری اطلاعات اولیه و پراکنده از منابع مختلف دارد. برای این امر منابع زیادی وجود دارد ولی شاید بتوان ادعا کرد که با گذشت نزدیک به شصت سال از انتشار کتاب "سرگذشت موسیقی ایران" نوشته روح‌الله خالقی، هنوز این مجموعه، به عنوان بهترین منبع قابل استفاده در تاریخ موسیقی معاصر ما بشمار می‌رود. در حال حاضر آنچه که به عنوان موسیقی سنتی یا همان "نغمات ردیف" برای ما به میراث گذاشته شده است، توسط راویانی انجام شده که همگی از نوازندگان "تار" بودند. این راویان یا همان خانواده‌های فرامانی معروف به "خاندان هنر" نه تنها در زمان خود از بهترین نوازندگان "تار" بودند، بلکه شیوه‌های "تار" نوازی آنها الگویی برای نوازندگان "تار" تا به امروز بوده و در حقیقت ردیفی که از طرف این خانواده برای ساز "تار" تنظیم و روایت شده بعدها توسط اساتید موسیقی و نوازنده‌های ادوات و آلات مختلف، برای دیگر سازهای سنتی در موسیقی ایرانی تنظیم شد. به همین جهت بررسی موضوع "تار" دارای اهمیت ویژه‌ای است و در این کتاب با دو هدف اساسی و کلی دنبال می‌شود. این اهداف در حقیقت در برگیرنده نیازهای اولیه دو گروه از علاقه‌مندان می‌باشد. یکی کسانی که علاقه به مسائل تحقیقاتی در مورد "تار" دارند و دوم کسانی که بیشتر به عمل موسیقی و "تار" نوازی می‌پردازند.

هدف اول همان است که در ابتدا توضیح داده شد، یعنی جمع‌آوری اطلاعات پراکنده و موجود برای علاقه‌مندان به پژوهش. این اطلاعات تا آنجا که امکان داشت، ضمن ذکر دقیق منابع آن، با مشاوره‌های متخصصین و نظرات کارشناسان آنها انجام شده ولی اصالت و صحت این موضوعات و اینکه منابع مذکور تا چه اندازه با دقت در زمان خود بررسی شده است، نیاز به تحقیق موشکافانه‌تر برای مراحل بعدی در امر پژوهش دارد. هدف دوم ارائه اطلاعات و موضوعاتی است که برای نوازندگان "تار" می‌تواند مفید باشد. اطلاعاتی مانند طرز بستن پرده‌های "تار"، سیم انداختن، اطلاع از انواع ردیف‌های موجود برای "تار"، کتاب‌های موسیقی مورد نیاز، انواع کوک‌های "تار" در دستگاه‌های مختلف و غیره. این کتاب در هفت فصل به لحاظ موضوعی تقسیم بندی شده است.

در فصل اول (لغت‌شناسی) به بررسی لغت "تار" و ترکیبات آن از لحاظ موسیقایی و همچنین به شرح مختصر سازهایی که با کلمه "تار" ترکیب می‌شوند مانند دو تار، سه تار و غیره می‌پردازیم.

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد "خاندان هنر" به دوره اول فصل تارنوازان رجوع شود.

مقدمه:

در این فصل کلمه "تار" به طور خاص در حوزه موسیقی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در بخش اول، ابتدا کلمه تار و ترکیب‌های آن به معنای موسیقایی و سپس بعضی از اصطلاحات قدیمی مربوط به سازهای زهی مضرابی آورده شده و در بخش دوم آلات موسیقی‌ای که با کلمه "تار" ترکیب شده‌اند از قبیل تار آخری، دو تار، سه تار، سی تار و گیتار بررسی می‌شوند.

بخش اول

لغت شناسی تار با معانی موسیقایی

کلمه "تار" در فرهنگنامه‌های مختلف مانند معین، برهان قاطع و غیره چنین آمده است: "تار" بر وزن مار، تار موی و تار ابریشم و تار به عنوان ساز و امثال آن باشد و (آنچه) که از آهن و برنج و نقره و طلا و مانند آن سازند.

فلز خیلی باریک کرده مثل مو و ابریشم (فرهنگ نظام). این لفظ در زبان سانسکریت "تره" است. همچنین در فرهنگ دهخدا آمده است:

"ساز ایرانی و آن دارای پنج سیم است که با زخمه نوازند و بر کاسه آن پوست بره تنک کشیده باشد. سازی ایرانی از ذوات الاوتار، آلتی موسیقی است که اختراع آن را ایرانیان کرده‌اند. تار عبارت است از کاسه از چوب توت و بدنه و دسته تار از چوب فوفل و گردو کهنه و پوست بره تودلی بر روی کاسه می‌کشند و روی دسته را با استخوان پای شتر می‌بندند و خرک روی کاسه را از شاخ گوزن می‌گذارند و سپس شش سیم، سه تار آن زرد و سه تا سفید، از خرک تا دسته می‌کشند و از روده گوسفند بیست و پنج پرده به آن می‌بندند و با مضراب می‌نوازند و از معاریف استادان تار ساز اخیر مرحوم یحیی و مرحوم استاد فرج الله بودند.

• لغات ترکیبی تار

تارچه: تار کوچک.

تاردان: ظرفی که در آن تارهای ساز را نگهدارند برای طنبور و ستارها (سه تارها).

تارزدن: نواختن تار.

تارزن: نوازنده تار و نوازنده یکی از آلات موسیقی.

تارساز: رشته از سیم یا زه که بر سازها بندند و زخمه بر آن زنند، آنچه که از آهن و برنج و نقره و طلا یا روده حیوانات سازند و بر آلات موسیقی بندند، مانند تار چنگ، تار قانون، ...، سازنده تار.

تارسازی: عمل تارساز. شغل تارساز. مغازه و دکان تارساز.

تار و تمبک و یا تار و تنبک: آلات ضرب و نوازندگی. آنچه نوازندگان با آنها زنند و نوازند.

تار و تنبور و یا تار و طنبور: همه گونه آلات سازندگی (که منظور همان آلات و ادوات موسیقایی می باشد)، آلات نوازندگان "دف و نی".

• اصطلاحات و لغات برای معرفی اجزاء سازهای زهی مضرابی (ذوات الاوتار) در کتاب‌های قدیم موسیقی.^۱

۱. تسویه، اصطحاب و یا اصطحاب: کوک

۲. ملاوی: گوشی

۳. آنف: شیطانک

۴. مشط: حرک

۵. سایر: مضراب راست

۶. راجع: مضراب چپ

۷. دستان: پرده

۸. وتر: سیم یا زه

۹. وتر مطلق: سیم دست باز

"لغت تار" در زبان فارسی و دیگر زبان‌های رایج با معانی غیر موسیقایی نیز استفاده می شود.^۲

۱. کتاب موسیقی کبیر / ابونصر محمد بن محمد بن طرخان فارابی / ترجمه آذرتاش آذرنوش / پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی / چاپ اول / ۱۳۷۵.

۲. معانی غیر موسیقایی تار:

• نام منطقه‌ای در شهر جاسک از استان هرمزگان در ایران.

• ظاهراً نام کوچه‌ای در بخارا.

• دهی در اطراف شهرستان نطنز در استان اصفهان.

• نام دهکده‌ای در بلغارستان.

• نام درختی است در هندوستان شبیه به درخت خرما. (برهان قاطع و فرهنگ رشیدی)

• در زبان انگلیسی به معنای قیر و جرم سیگار.

• نام رودخانه‌ای در ایالت کولینای شمالی در آمریکا.
• فیلمی دراماتیک در سال ۲۰۱۳ ساخته ۱۲ نفر از دانشجویان رشته فیلمسازی دانشگاه نیویورک.
• نام گروه راک آمریکایی در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی.
• اصطلاحی در علم کامپیوتر برای فرمت‌های فایل‌های آرشیوی.

بررسی آلات موسیقی با ترکیب کلمه "تار"

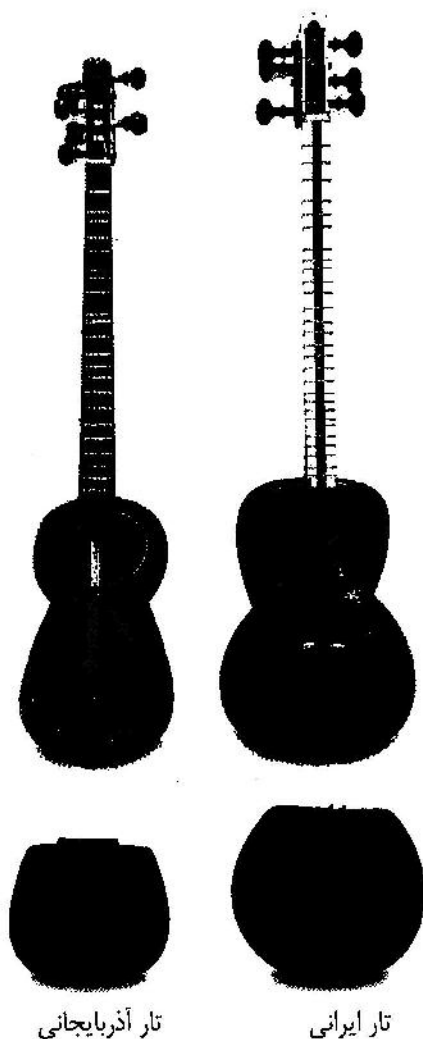
۱. تار آذربایجانی (ساز زهی مضرابی)

تار آذربایجانی مهمترین ساز در اجرای مقامات منطقه آذربایجان است. مقامات مجموعه ای منظم و نسبتاً مدون از نغمه‌ها، مقام‌ها و گوشه‌های مختلف است که به ردیف دستگاهی موسیقی ایران شبیه و می‌توان گفت با ردیف موسیقی ایرانی ریشه‌های مشترک دارد.

براساس برخی مدارک، تار آذربایجانی حاصل تغییراتی است که روی تار پنج سیم فارسی ایجاد شده است. تار فارسی حداقل در قرن هجدهم میلادی در ارمنستان، آذربایجان، قفقاز و تاجیکستان که در گذشته در قلمرو سیاسی ایران قرار داشتند رایج بوده و در همین قرن، نوازنده و موسیقی دانی به نام میرزا صادق اسدوآغلو معروف به صادق جان، در شهر شوشا در ناحیه قره باغ که امروزه در جمهوری آذربایجان واقع است، تار آذربایجانی را با ایجاد تغییراتی بر روی تار فارسی، به وجود آورد. نمونه‌ای از تار ۵ سیم ایرانی در موزه تاریخی جمهوری آذربایجان موجود است که تاریخ آن ۱۷۴۴ میلادی (حک شده بر روی کاسه) است.^۱

تار آذربایجانی از خانواده سازهای زهی مضرابی است که با مضراب نواخته می‌شود. کاسه تار آذربایجانی مانند تار فارسی از دو قسمت کاسه بزرگ یا کاسه طنینی و کاسه کوچک یا نقاره تشکیل شده است. کاسه طنینی، در مقایسه با تار فارسی، کوچکتر و کم حجم تر، و پشت آن برخلاف تار فارسی نسبتاً صاف و تخت است. حجم کمتر و تخت بودن پشت کاسه این امکان را به نوازنده می‌دهد تا آن را هنگام نواختن به راحتی روی سینه خود قرار دهد. دهانه کاسه و نقاره در مقایسه با تار فارسی بازتر است و بر روی آنها پوست کشیده می‌شود (شکل ۱).

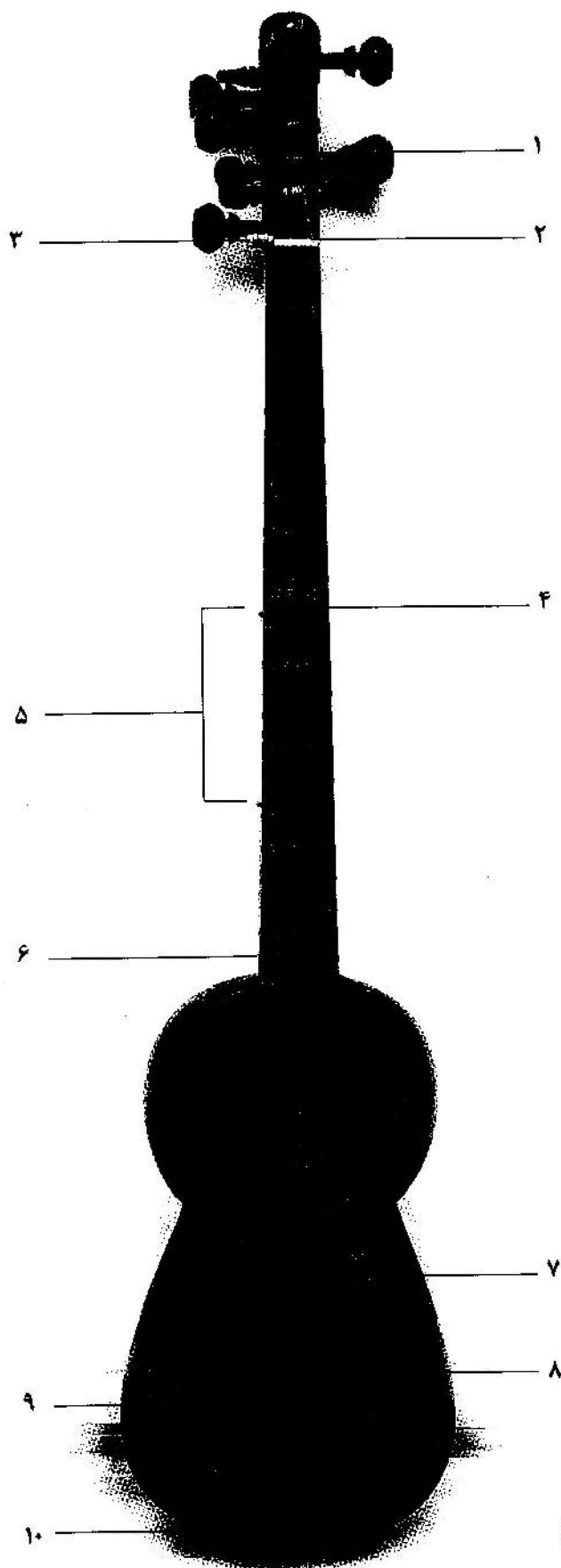
دسته ساز در زایده کوتاهی که از نقاره خارج شده است فرو می‌رود. روی دسته ۲۲ تا ۲۴ دستان یا پرده بسته می‌شود و در انتهای آن سرپنجه قرار می‌گیرد که محل گوشی‌ها می‌باشد. در سرپنجه ۹ گوشی وجود دارد (۶ گوشی بزرگ و ۳ گوشی کوچک). تار آذربایجانی ۱۱ وتر (سیم) دارد که ۶ وتر آن، وترهای اصلی هستند. چهار وتر دیگر به سیم‌های زنگ (جینگنه) معروف هستند که دویه دو، به صورت هم‌صدا کوک می‌شوند و هر دو وتر به یک گوشی متصل اند یعنی برای چهار سیم زنگ، ۲ گوشی وجود دارد. تنها گوشی باقی مانده مربوط به سیم باس است. ۶ وتر اصلی در سه گروه دوتایی با نام‌های سفید، زرد و بزم تقسیم می‌شوند. این ساز ۴ شیطانک دارد که اولی شیطانک اصلی است و در محل اتصال دسته به سرپنجه قرار دارد و از روی آن ۶ وتر اصلی عبور می‌کنند. دومی شیطانک فرعی سیم باس است که به شیطانک اصلی متصل است. دو شیطانک فرعی دیگر که محل عبور سیم‌های زنگ هستند، بر روی دسته ساز متصل شده‌اند.



(شکل ۱)

۱. دائرة المعارف سازهای ایران / نوشته محمد رضا درویشی / موسسه فرهنگی - هنری ماهور / ۱۳۸۰ / جلد اول / صفحات ۲۶۹ و ۲۷۰.

مضرب تار آذربایجانی قطعه‌ای از جنس شاخ گلومیش یا مواد مصنوعی است که برخلاف تار فارسی فاقد موم است. جنس و مواد به کار رفته در ساختمان تار آذربایجانی به شرح زیر می‌باشد (شکل ۲):



۱. گوش‌ها: چوب‌های گردو، جنگلی
۲. شیطانک اصلی: شاخ گاو ماده، استخوان قلم پای شتر
۳. شیطانک سیم باس: شاخ گاو ماده، استخوان قلم پای شتر
۴. دسته: چوب گردو
۵. شیطانک‌های سیم‌های زنگ: میخ‌های فولادی
۶. پرده‌ها یا دستان‌ها: زه (در قدیم)، سیم نایلونی
۷. پوست: پوست دل گاو
۸. کاسه طنینی: چوب‌های توت، گردو
۹. خرک: شاخ گاو ماده، استخوان قلم پای شتر، مواد مصنوعی
۱۰. سیم گیر: شاخ، آلیاژهای برنج و آلومینیم

جنس وترهای تار آذری به شرح زیر است:
 وترهای مضاعف اول (وترهای اول و دوم):
 سیم فولادی سفید به قطر ۰/۱۸ تا ۰/۲۲ میلی‌متر در سطح مقطع آن.
 وترهای مضاعف دوم (وترهای سوم و چهارم):
 سیم برنزی زرد به قطر ۰/۱۸ تا ۰/۲۲ و یا ۰/۲۰ تا ۰/۲۵ میلی‌متر در سطح مقطع آن.
 وتر پنجم: سیم فولادی سفید به قطر ۰/۱۸ تا ۰/۲۲ میلی‌متر در سطح مقطع آن.
 وتر ششم: سیم فولادی سفید یا روکش نایلونی یا سیم برنزی با روکش فنری به قطر ۰/۳۵ میلی‌متر در سطح مقطع آن.
 وتر باس: سیم فولادی سفید یا روکش فنری به قطر ۰/۵۰ میلی‌متر در سطح مقطع آن.
 وترهای زنگ: سیم فولادی سفید به قطر ۰/۱۸ تا ۰/۲۲ (گاهی نازکتر) میلی‌متر در سطح مقطع آن برای هر چهار وتر.

(شکل ۲)

این ساز معمولاً بر مبنای دیابازون کوک می‌شود^۱ اما این مینا در اجراهای مختلف متفاوت است^۲. در شکل ۳ نمونه‌ای از شرح کوک در سیم‌های مختلف تار آذربایجانی برای مقامات ماهور، شوشتر، چهارگاه "دو"، حجاز، کرد شهناز (شعبه‌ای از شور "دو") نشان داده شده است^۳.

(شکل ۳)

۲. دوتار^۴ (ساز زهی)

دوتار که در برخی رساله‌های قدیم موسیقی ایران با عنوان تنبور، تمبور و یا طنبور نیز شناخته شده پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد و از سازهای متداول در قدیم بوده است. دوتار از خانواده سازهای زهی است که به وسیله انگشتان دست راست به آن زخمه زده می‌شود. شکل این ساز را در نقاشی‌ها قدیمی و حجاری‌های دوره قدیم ایران باستان می‌توان مشاهده کرد.

امروزه این ساز در مناطقی چون شرق و شمال خراسان، منطقه ترکمن نشین و کتول در استان گلستان و نیز شرق مازندران نواخته می‌شود و به این ترتیب می‌توان گفت حوزه رواج دوتار، بیشتر در شمال شرقی ایران است. اگرچه تنبور کرمانشاهان نیز متعلق به همین گروه است اما به خاطر بُعد مسافت، نسبت به منطقه رواج دو تار (شمال شرقی ایران) و برخی ویژگی‌های دیگر، این ساز را به طور مجزا بررسی می‌کنند.

(شکل ۴)

متداول‌ترین و عمومی‌ترین کوک برای دوتار ترکمن صحرا، کتول، شرق مازندران و نیز شرق و شمال خراسان در شکل ۴ نشان داده شده است.

(شکل ۵)

شکل ۵ کوک متداول دیگری را برای دوتار شرق و شمال خراسان نشان می‌دهد.

۱. کوک یک اصطلاح موسیقایی است و در سازهای زهی به معنای میزان کشش سیم یا وتر تا حد فرکانس مورد نظر می‌باشد.
۲. از دیگر کوک‌های معمول در ارکسترها:
 - در همراهی با ارکستر سمفونیک، پیانو و سایر سازهای غرب، وترهای مضاعف ردیف اول، "دو" کوک می‌شوند.
 - در همراهی با ارکستر سازهای ملی آذربایجانی، وترهای مضاعف ردیف اول، "سی" کوک می‌شوند.
 - گاه در همراهی با ارکستر و خوانندگان اپرا، وترهای مضاعف ردیف اول، "لا" کوک می‌شوند.
۳. از کوک‌های دیگری هم برای اجرای مقامات و شعبه‌های مختلف استفاده می‌شود که از ذکر همه آنها صرف نظر می‌کنیم.
۴. معمولاً در موسیقی علمی آذربایجانی برای نت نویسی تار از کلید "دو" استفاده می‌کنند. ولی در این جا از کلید "فا" و "سل" استفاده شده است.
۵. سازشناسی ایرانی / ارفع اطرائی، محمدرضا درویشی / موسسه فرهنگی - هنری ماهور / ۱۳۷۶ / چاپ اول / صفحه ۷۸.